



بررسی مفهوم «قیام و حکومت مشروع» و اختلاف نظر زیدیه با شیعه اثنی عشری

زیدیه بیش از آن که یک نظام اعتقادی، باشد یک اندیشه سیاسی است که حول محور امامت مجتهدین عادل از اهل بیت نبوی می چرخد.

زیدیه بیش از آن که یک نظام اعتقادی، باشد یک اندیشه سیاسی است که حول محور امامت مجتهدین عادل از اهل بیت نبوی می چرخد.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب زیدیه، درس نامه تاریخ و عقاید زیدیه نوشته حجت الاسلام مهدی فرمانیان و سید علی موسوی از سوی انتشارات ادیان و مذاهب به چاپ چهارم رسید.

مهدی فرمانیان مدرس حوزه و دانشگاه، رئیس دانشکده مذاهب اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، معاونت پژوهش دانشگاه ادیان و مذاهب، مسئول دانشنامه ویکی شیعه است.

این کتاب به تاریخ زیدیه پرداخته است و در ابتدا، به معرفی زید بن علی و افکار و عقاید و آثار او پرداخته و سپس مهم ترین قیام های زیدیه بعد از قیام زید در قرن دوم و سوم را بیان می کند. همچنین به مهم ترین فرقه های زیدیه یعنی جارودیه، بتریه، سلیمانیه و اعتقادات آنها، مخصوصاً درباره امامت و حضرت علی (ع) و ابوبکر و عمر اشاره می نماید. در بخش دوم این کتاب، عالمان و فقیهانی همچون قاسم رسی، یحیی بن حسین، ناصر اطروش، حاکم جشمی، ابن مرتضی و یحیی بن حمزه معرفی می گردند. در بخش سوم، عقاید زیدیه بررسی شده که اکثر اعتقادات آنها همانند امامیه است. در بخش آخر این کتاب، نویسندگان خلاصه ای از کتاب مصباح العلوم فی معرفة الحی القیوم را که شامل دلایلی برای اثبات معرفت اصول دین می باشد، ضمیمه نموده اند.

بررسی مفهوم «قیام و حکومت مشروع» و اختلاف نظر زیدیه با شیعه اثنی عشری

تفاوت دیدگاه زیدیه با شیعه دوازده امامی در چیست؟

در این کتاب آمده است:

«زیدیه بیش از آن که یک نظام اعتقادی، باشد یک اندیشه سیاسی است که حول محور امامت مجتهدین عادل از اهل بیت نبوی می چرخد. این اندیشه از نقد اندیشه نظام حاکم اموی به وسیله زید بن علی تبلور یافت. در نگاه اکثر مردم به حاکمیت - با توجه به تبلیغات بنی امیه - نگاهی بر حفظ جماعت بود. یعنی مهمترین وظیفه خلیفه حفظ جماعت، گسترش آن و جهاد با کفار بود؛ اعم از این که رفتار حاکم منطبق با دستورات اسلامی باشد یا نباشد امویان معتقد بودند حکومت اسلامی مادامی که اقتدار اسلام در صحنه کند حکومت اسلامی است و مهمترین وظیفه آن گسترش این اقتدار به بیرون مرزها است.

زید بن علی گفتمان سیاسی امویان را باطل دانسته و مشروعیت نظام را نه بر اقتدار حکومت اسلامی و حفظ جماعت بلکه بر تطبیق اعمال شریعت اسلامی می دانست. اهل سنت دیدگاه امویان را پذیرفته و قیام علیه حاکم را - اگرچه ظالم و فاسق باشد - جایز ندانستند ولی زید بن علی با تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر حکومت امویان را زیر سوال برده و قیام علیه آنها را نه تنها جایز بلکه واجب می دانست.

وی معتقد بود که باید رفتار حاکم زیر ذره بین چشمان مردم باشد و هر جا لازم است نقد گردد. زید بن علی مشروعیت نظام اسلامی را انطباق آن با سنت دانسته و حکومت غیر منطبق با شرع را مشروع نمی دانست. شاید بتوان گفت که زید بن علی، راه و روش امام حسین (ع) را تئوری پردازی کرده و مشروعیت را بر انطباق با سنت نه حفظ جماعت تعریف کرد.

اختلاف زید بن علی با امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در این بود که امام صادق (ع) می فرمود: این دیدگاه صحیح است ولی تا سنت تبیین نشود و همه جوانبش مشخص نگردد انطباق معنا ندارد. دیگر این که امر به معروف و قیام مسلحانه شرایطی دارد و تا شرایطش فراهم نگردد، قیام ابتر می ماند.

شاید به همین دلیل ائمه اطهار قیام را به زمان قائم (عج) موکول کرده و فراهم شدن شرایط را فقط در آن زمان می دیدند. امام

صادق (ع) می فرمود نمی توان با جامعه ای که اکثریت آن تفکر ما را نمی پذیرند، جنگید و اگر قیامی صورت گیرد، سریع به شکست می انجامد. پیش بینی و تحلیل امام صادق صحیح بود و اکثر قریب به اتفاق قیام های علویان زیدی مذهب، به شکست انجامید.

برای ائمه اطهار کار فرهنگی مهمتر از کار سیاسی بود و آن را مقدمه فراهم شدن شرایط سیاسی می دانستند و به همین خاطر شروع به تبیین دیدگاه های خود کرده و شاگرد پروری نمودند. اما زیدیان پی در پی قیام کرده و نتوانستند دیدگاه های خود را صورت بندی خاصی بخشیده و براساس آن حرکت کنند. تا این که قاسم رسی (م ۲۴۶ ه. ق) و ناصر اطروش (م ۳۰۴ ه. ق) به این فکر افتاده و با کناره گیری از قیام به نظام بندی تفکرات خود همت گماشتند.»